

## درب طلا و نقره پیش روی مبارک، موجود در موزه مرکزی آستان قدس رضوی

حمیدرضا کریمی\*

چکیده:

با دقت در هنر صنعتگران که در ساختن درب‌های طلا و نقره و چوبی حرم مطهر امام رضا (ع) مشهود است، درمی‌یابیم که در ساختن یک درب علاوه بر استمداد گرفتن از ذوق و مهارت‌های هنری، به جنبه‌های معنوی آن اعم از حدیث و روایت در منزلت اهل بیت (ع) و امام‌شناسی و آیاتی که در شأن و مقام ائمه طاهریین (ع) آمده است، استفاده نموده‌اند. همچنین به استفاده از اشعاری که موجب تعالی روح است، توجه کافی و وافی شده است. علاوه بر آن نشان می‌دهد که اکثر سلاطین و بزرگان کوشیده‌اند به هر نحوی خود را جزو نوکران حضرت قلمداد کنند و برای توشه آخرت خود سوسوی امیدی بفرستند که در این هنر به تمام این ابعاد توجه شده است. از آن جمله، درب طلا و نقره کاری شده موجود در موزه آستان قدس رضوی است که در سال ۱۲۷۲ قمری به دستور ناصرالدین شاه قاجار و در زمان نایب التولیه وقت، مرحوم میرزا محمد حسین عضدالملک قزوینی، طلا و نقره کاری و یک سمت آن مجدداً در دوره پهلوی اول در سال ۱۳۱۷ شمسی نقره کاری شده است. این درب اوج هنر هنرمندانی است که با وجود سختی کار با فلز، از آن ظریف‌ترین آثار معرق و منبت را ساخته‌اند.



\* کارشناس موزه.

hamidkarimi888@gmail.com

## مقدمه:

آنچه که در این نگارش به مرشده تحریر درآمده حاصل زحمات دوستانی است که برای به ثمر رسیدن آن اثر هیچ کوششی دریغ ننموده و با گشاده‌دستی هر آنچه را که در توان ایشان بود، برای به ثمر رساندنش صرف نمودند. بیش‌تر این نگارش بر مبنای تحقیق میدانی انجام گرفته و پس از ثبت و مستندنگاری این اثر در موزه مرکزی آستان قدس رضوی، برداشت‌های حاصل ثبت و اطلاعات حاضر اثر آن استخراج شده است. منابع مکتوب در این زمینه بسیار کم و آن اندک‌ها نیز بر مبنای برداشت شخصی نویسندگان آن زمان است؛ بنابراین مغایرت‌هایی با آنچه که مستندسازی شده بود وجود داشت. گرچه این نگارش نیز خالی از عیب و نقص نیست اما امید است همین اندک، گشایشی باشد برای پژوهش‌های عمیق‌تر و کاربردی‌تر.

## تاریخچه درب پیش رو:

در مورد تاریخچه این درب در منابع مکتوب، نقل‌های مختلفی نگاشته شده است از جمله: «در جای این درب سابقاً درب طلای مرصعی که فتحعلی شاه قاجار تقدیم آستان قدس کرده بود قرارداد داشت که در زمان محمد حسن خان سالار در سال ۱۲۶۴ قمری از جای کنده شد و زمانی که دست تعدی به نفایس و طلا آلات آستان قدس گشود، آنچه از طلا و نقره به چنگ آورد، به نامر خود سکه زد و در جریان گذاشت. اثر جمله جواهرات و طلای همین درب را هم برداشته به مصرف تجهیز قشون خود رسانید. پس از آن ناصرالدین شاه به متولی‌باشی وقت، مرحوم میرزا محمد حسین عضدالملک قزوینی، دستور تجدید ساختمان در مزبور را داده و نامبرده به سال ۱۲۷۲ هـ.ق بدین مهم پرداخته و در طلای جدیدی را با طلا و نقره مزین می‌کند.» (فیض، ۱۳۲۴: ۳۴۴).

«در طلایی که ملامت بوده و معروف است به در پیش روی مبارک در سال ۱۲۷۲ قمری در زمان نیابت تولیت عظمی، مرحوم میرزا محمد حسین عضدالملک قزوینی، ساخته شده است و ارتفاع آن ۳ متر و ۲۰ سانتی‌متر و عرض آن دو متر است.» (کاویانیان، ۱۳۵۴: ۱۷۰).

«قدری طلا و نقره زیر طلا بر حسب استعمال ساییده شده و ریخته بود. در سال ۱۳۰۳ شمسی که رضا خان رییس حکومت موقت کشور و مرحوم میرزا مرتضی قلی‌خان طباطبایی نایب‌باشی (نایب تولیت عظمی) آستان قدس بودند روزی در دفتر آستانه که تمام اولیای آستان قدس از دفتری و کشیکی حاضر بودند و یکی

از جلسات رسمی آستانه بود (نامر جلسه مزبور، دفتر و اعضای آن، اولیای دفتر نامیده می‌شد) نایب تولیت عظمی عنوان کردند در موقع تشریف به حرم مشاهده نمودم به علت ریزش طلاهای این در، موقع ازدحام زوآمر و هجوم برای بوسیدن، لب آنها به فلز برآمده محل‌های ریخته شده گیر کرده، خونی می‌شود. خدام همه روزه مکرراً مشغول تطهیر خون‌های در می‌باشند. باید تجدید ساختمان شود که آسایش زایران و خدام فراهم گردد. آستانه هم محل و پولی برای این کار موجود ندارد (آن روزها اوضاع مالی و مادی آستانه خیلی اسفناک بود) سپس گفتند آقایان حاضرین جلسه دفتر، رؤسا و اولیای آستان قدس هستید، دانگی نموده بسازید من هم شرکت نموده ربع هزینه آن را می‌دهم.

از طرف آقایان مزبور پاسخ مثبتی نشنیده بودند. در همان موقع بنده وارد شدم دیدم نایب تولیت عظمی اثر عدم استقبال آقایان عصبانی می‌باشند. اثر موضوع که مطلع شدم، بدون شرکت دادن به سایرین، داوطلب انجام تقاضای متولی‌باشی شده، در همان جلسه مرحوم حاج عبدالعلی گمنام زرگر آستانه را خواستند.

قرار شد تمام طلا و نقره شکسته و بسته آن در مرا بکند و مجدداً به همان نقشه و ترتیبی که بوده مثل اول طلای آن را قلم‌زنی کرده، بسازد. هزینه آن را بنده تقبل نمودم و به وسیله مرحوم حاجی شعاع التولیه، مستأجر خود پرداختم. در مزبور تجدید ساختمان شد و تا سال ۱۳۴۲ شمسی مورد مشاهده و تقبیل عموم بود.

چون به واسطه استعمال و دست کشیدن زایرین باز مقداری از طلاهای آن ریزش کرده و ساییده شده بود، در سال ۱۳۴۲ شمسی به دستور تیمسار سپهبد امیر عزیزی، نایب تولیت عظمی، به هزینه آستان قدس ترمیم گردید.

برای جلوگیری از ساییده شدن و ریزش بعدی دستور دادند روی تمام طلاهای در و چهار چوب آن را تلق نصب گردید تا به واسطه دست‌مالی زوآمر از ساییده شدن و ریزش مصون بماند.» (کاویانیان، ۱۳۵۴: صص ۱۷۰-۱۷۱).

«در آن زمان در حرم دو درب طلا و ۱۸ درب نقره و سه درب چوبی بوده است. (این در در سنه ۱۲۷۲، زمان میرزا محمد حسین قزوینی عضدالملک (متولی‌باشی) طلا شد.» (خراسانی، ۱۳۸۲ قمری: ۶۵۳).

از مطالب فوق می‌توان چنین استنباط کرد که شالوده این درب در زمان فتحعلی شاه قاجار ساخته شده و بعد از بین رفتن طلا و نقره و تزیینات آن، به دستور ناصرالدین شاه قاجار و به همت متولی‌باشی وقت، میرزا محمد حسین

پشت این درب در سال ۱۳۵۷ هـ.ق. (۱۳۱۷ ش.) نقره‌کوبی می‌شود که این تاریخ در پشت درب بدین صورت ضرب شده است:

تاریخ نقره‌کوبی در گفت با دری  
راه حریم کعبه بجویم از بند راست (۱۳۵۷ ق.)  
این درب با توجه به نقل منابع، در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۱۷ هجری شمسی وارد خزانه موزه می‌شود.  
در محل نصب آن، درب اهدایی از طرف فرح پهلوی نصب می‌شود. همچنین این درب در مورخ ۱۳۵۴/۱/۱۱ در محل کنونی موزه آستان قدس نصب می‌گردد (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۸۲).  
این درب با ۳ متر طول و ۲ متر عرض، دارای دو لت و یک چار چوب از جنس چوب گردو و فوفل است.



تصویر درب پیش روی مبارک، طرف طلاکاری شده (درب پیش روی مبارک، طرف نقره‌کاری شده)

قزوینی یا عضدالملک قزوینی، در سال ۱۲۷۲ هجری قمری یک سمت آن طلا و نقره‌کاری می‌شود.

پس از آن در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی به دستور رضاخان و در زمان تولیت میرزا مرتضی قلی‌خان طباطبایی نایینی، توسط حاج عبدالعلی گمنام که نر سرگر آستانه بود و همچنین دیگر بار در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی به دستور تیمسار سپهبد امیر عزیزی، نایب التولیه وقت و به هزینه آستان قدس، طلاکاری آن مورد مرمت قرار گرفته است.  
نکته‌ای که در این درب مورد توجه قرار می‌گیرد این است که ماده تاریخی که روی درب وجود دارد با تاریخی که در منابع مکتوب آمده، اختلاف دارد. در منابع مکتوب تاریخ ۱۲۷۲ هجری شمسی تاریخ ساخت و طلاکاری آن نقل شده ولی با تبدیل حروف ابجد آخرین مصراع از شعر مرحوم میرزا محمد علی خان سروش که بر روی درب نقش شده است:

کلک مشکین از بهر تاریخش نوشت  
بوسه زن بر این در و پا نه به فردوس برین  
عدد ۱۲۷۵ به دست می‌آید.

در یکی از منابع در این مورد چنین نقل شده است: « اثر این مصراع به حروف ابجد عدد ۱۲۷۵ حاصل می‌شود که مقصود تاریخ سال نصب در بوده است.» (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۸۲).  
در بررسی ترنج‌ها و کتیبه‌های روی در، به مواردی از ضرب مهر بر روی صفحات طلا برمی‌خوریم که روی آنها یک عبارت با عدد فارسی و عبارتی به سیاق دارد. احتمالاً بر روی این مهرها و نر هر صفحه طلا بر روی آن با روش سیاق‌نویسی درج گردیده است. این مهرها در صفحات بالای درب بیش‌تر به چشم می‌خورد و در صفحات پایینی به جز دو سه مورد مشاهده نمی‌شود. همچنین در نگاه اول و مقایسه صفحات پایینی و بالا، جدیدتر بودن صفحات پایینی را می‌توان مشاهده کرد.

با این توضیحات مشخص می‌شود که صفحات پایینی به همان شکل اولیه خود، مورد مرمت قرار گرفته است، با این تفاوت که یا مهرها در اثر مرمت ساییده شده‌اند یا صفحه‌ها از نو ساخته شده و مهر آن درج نگردیده است.

نمونه‌ای از مهرهایی که به خط سیاق بر روی کتیبه‌ها موجود است





نمونه‌ای از ترنج‌های بدون کتیبه چارچوب



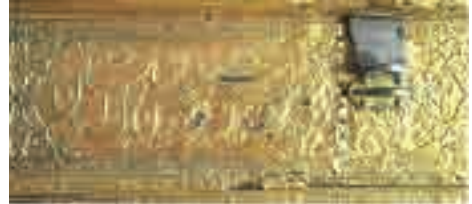
نمونه‌ای از ترنج‌های کتیبه‌دار چارچوب



نمونه‌ای از حاشیه‌های اطراف ترنج‌ها

کتیبه‌های روی چارچوب، آیه‌های ۳۲ الی ۳۶ سوره فاطر را شامل می‌شود. از بررسی ترجمه و تفسیر این آیه‌ها چنین استنباط می‌شود که آیه‌ها، اشاره به تعدادی از مردم دارد که به کتاب و دین خدا ایمان می‌آورند و به اذن خدا وارد بهشت می‌شوند و آنجا پر است از نعمت‌های فراوانی که وعده داده شده. همچنین آنهایی که غیر از این عمل کنند به خودشان ظلم کرده‌اند. احتمالاً سازنده، این درب را به درب بهشتی تشبیه کرده که مدخل گروه اول است. از طرز قرارگرفتن این آیه‌ها روی درب نیز به این نتیجه می‌رسیم که آیه‌هایی که اشاره به گروه اول دارد در سمت راست و بالای

در بین دو لت درب، دماغه‌ای متصل به لت سمت چپ نصب شده است که در قسمت بالای آن به صورت مقرنس درمی‌آید. بر روی دماغه، تزییناتی از جمله سه عدد گل‌میخ مشاهده می‌شود. در مرکز و پایین دماغه چفت و بست فلزی و محل قرارگرفتن زنجیر نصب شده است.



چفت و بست و محل قرار گرفتن زنجیر

### مشخصات هنری و آسیب شناسی درب پیش رو:

در درب‌های طلا و نقره از طرح‌های اسلیمی و ختایی بیشتر استفاده شده و این به‌خاطر خاصیت فلز است که طراحان اسلیمی و ختایی نرم‌تر و راحت‌تر روی این‌گونه درب‌ها نقش می‌بندد و حک می‌شود.

از تزیینات گیاهی مانند گل شاه عباسی با طرح‌های مختلف، برگ چناری، غنچه‌های ختایی گل چندپر و نیز گل فرقه‌ای، گل محمدی، گل شش‌پر و پنج‌پر و برگ‌هایی با دندانه‌های مختلف در این درب‌ها زیاد به کار رفته است. این نقوش بیش‌تر حالت تزیینی پیدا کرده و اطراف سروده‌ها و آیات را پر کرده‌اند. بیش‌تر این سروده‌ها بعد از مدح امام هشتم شیعیان، به سپاس از پادشاه، بانی و اهدا کننده این درها اشاره می‌کند. کتیبه‌های روی چارچوب، درون ترنج‌هایی قرار دارند. این ترنج‌ها ورقه‌هایی از جنس طلا هستند. کتیبه‌های این ترنج‌ها به خط ثلث است.



تصاویری از کتیبه‌های مربع‌شکل روی لتهای درب

کتیبه‌های مستطیل‌شکل روی لتهای، به خط نستعلیق و اکثر آنها شامل مصرع‌هایی از قصیدهٔ مرحوم میرزا محمدعلی خان سروش اصفهانی، شاعر دربار ناصرالدین شاه، است. مضمون این قصیده ابتدا نام خدا، سپس مدح اهل بیت (علیهم‌السلام) به خصوص حضرت رضا (علیه السلام) و بعد از آن مدح ناصرالدین شاه است. این کتیبه‌ها تقریباً به صورت نامنظم و در برخی موارد با تکرار نصب شده‌اند.



نمونه‌ای از کتیبه‌های مستطیل‌شکل روی لتهای

چارچوب نصب شده‌اند و گروه دیگر که اشاره به عذاب الهی دارند در سمت چپ قرار دارند. این طرز قرارگرفتن می‌تواند اشاره به اصحاب یمین و یسار داشته باشد. بر روی کتیبه «اصطفینا من عبادنا فمَنهم» واقع در پایین سمت راست چارچوب، دو عدد ۱۳۴۴ در دو طرف متن کتیبه خودنمایی می‌کنند. این اعداد احتمالاً سال قمری مرمت این درب را نشان می‌دهد. همان‌طور که در قسمت تاریخچهٔ این درب ذکر شد، این درب دوبار مورد مرمت قرار می‌گیرد. اگر عدد ۱۳۴۴ را به سال شمسی تبدیل کنیم، همان ۱۳۰۳ به دست می‌آید که با سال مرمت اول آن مطابقت دارد. آثار مرمت را می‌توان بر روی صفحه‌های به کار رفته و میخ‌های آن یافت.



تصویری از کتیبهٔ تاریخ‌دار موجود بر روی چارچوب درب

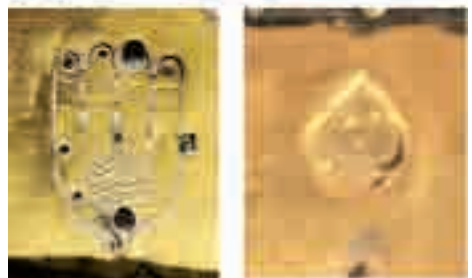
در نگاه اول بر روی هر لتهای درب، دو ترنج کوچک در بالا و پایین و یک ترنج بزرگ‌تر در وسط مشاهده می‌شود و اطراف این ترنج‌ها کتیبه‌هایی مانند آنچه که بر روی چارچوب بود وجود دارند. این کتیبه‌ها به صورت یک درمیان به شکل مربع و مستطیل هستند. کتیبه‌های مربع‌شکل به خط ثلث و شامل اسامی پنج‌تن و صفات جلالت خداوند هستند که بدون ترتیب خاصی به درب نصب شده‌اند.



ترنج روی لت سمت چپ در ب به همراه مهرهای ضرب شده روی ترنج‌های کوچک پایینی لت‌ها نیز به خط ثلث و شامل حدیثی از حضرت امام رضا علیه السلام است: «من زارنی فی تلك البقعه» «کان کمن زار رسول الله صلی الله علیه وآله».

ترنج‌های مرکز لت‌ها، دارای تزیینات زیاد و به صورت یک ترنج برجسته و مانند تزیینات فرش و کتب شامل لچک ترنج است. روی ترنج به خط ثلث آیه ۳۵ از سوره مبارکه نور نقش شده است. در قسمت زیرین ترنج که با دایره‌ای مشخص شده است، یک گل چندپر وجود دارد که درون این گل و در هر گلبرگ آن یک کلمه که در کل اشاره به نرنگر درب دارد، دیده می‌شود. به ترتیب در گلبرگ سمت راست کلمه «... محمد»، وسط «حسین ...»، سمت چپ «نرنگر» و پایین «مشهد» کنده شده است.

ترنج‌های کوچک بالای لت سمت راست و سمت چپ به خط ثلث و شامل حدیثی از پیامبر اعظم (ص) و عبارت است از: «بسم الله الرحمن الرحيم قال النبي»، «انا مدینه العلم و علی بابها». در پایین و سمت چپ ترنج سمت راست، طرحی شبیه به یک دست حک شده و داخل کف دست، عبارت: «وقف حضرت یا رضا» ضرب شده است. همچنین در کنار هر یک از این ترنج‌ها مهرهای سیاقی مشاهده می‌شود.



ترنج روی لت سمت راست در ب به همراه مهرهای ضرب شده روی آن



لچک و ترنج لت سمت راست در ب و گل سه پر کتیبه‌دار زیر آن



نمونه نوشته‌های سیاقی به صورت پراکنده روی درب

نام استاد محمد خررگر در قسمت پایین دماغه درب



### مشخصات ظاهری طرف نقره‌کاری شده درب پیش رو:

پشت درب تماماً از یک لایه نقره پوشیده شده است و روی این لایه نقره در قسمت‌های مختلف تزییناتی کار شده است. تقسیم‌بندی ظاهری این سمت از درب مانند طرف طلاکاری شده است و هر لت درب دارای سه ترنج است. نکته‌ای که این سمت درب را از طرف دیگر در نگاه اول متمایز می‌کند، نبود چارچوب در این سمت است. لت درب‌ها از بالا و پایین با بستی که به دوسر پاشنه‌گردها متصل شده، به چارچوب محکم شده است. پاشنه‌گردها که چهار عدد هستند، در بالا و پایین و در گوشه منتهی به دیوار درب نصب شده‌اند و جنسی فولادی دارند. در این قسمت از درب ضخامت درب نیز مشخص است که در همه جای آن ۱۰ سانتی‌متر است. نوع ترنج‌ها نیز از دیگر تفاوت‌های موجود با طرف طلاکاری شده این درب است. به طوری که ترنج‌ها هندسی‌تر و تقریباً مستطیل‌شکل و به صورت قاب درمی‌آیند. وسط قاب‌ها از اطراف خود برجسته‌ترند و روی تمام این قسمت‌ها به جای کتیبه، با نقش‌های گیاهی و حیوانی تزیین شده است.

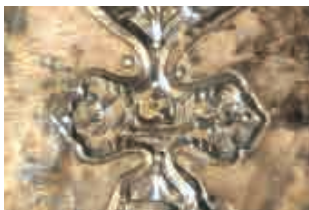
ترنج لت سمت چپ نیز مانند لت سمت راست و ادامه آیه قبل است. در زیر این قسمت نیز گلی سه‌پر شامل «کاظم»، «زرگر»، «گمنام» و «مشهد» حک شده است.



از دیگر نکته‌هایی که می‌توان در سمت طلاکاری شده درب به آن اشاره کرد یکی نوشته‌های سیاقی بدون ترنج است که در قسمت‌های مختلف درب و به صورت پراکنده کنده شده‌اند و دیگری نام استاد محمد خررگر در پایین دماغه درب است.



کتیبه‌های مربوط به تاریخ نقره‌کاری درب که در پایین‌ترین قسمت درب موجود است



تصویری اثر قاب مرکزی لت سمت چپ در سمت نقره‌کاری شده درب به همراه نوشته درون آن

حاشیه ترنج‌های مرکزی این قسمت از درب را، مانند سمت طلاکاری شده، قاب‌های مربع و مستطیل‌شکلی احاطه می‌کنند. قاب‌های مربع‌شکل شامل تزیینات گیاهی و مستطیل‌ها شامل مصرع‌هایی از یک قصیده‌اند.



در ترنج‌های کوچک بالا و پایین این سمت از درب، نقش‌های گل و مرغ مشاهده می‌شود.

همان‌طور که در قسمت تاریخچه ذکر شد، طرف نقره‌کاری شده در سال ۱۳۵۷ ق. (۱۳۱۷ ش.) نقره‌کوبی می‌شود که این تاریخ درکتیبه‌ای در پایین درب، بدین صورت وجود دارد:

تاریخ نقره کوبی در گفت با دری

راه حریم کعبه بجویم از بند راست

تاریخ شمسی‌ای که برابر در بهشت

با یکهزار و سیصد و هفده برابر است

تزیینات به‌کاررفته در پشت درب نسبت به طرف طلاکاری شده از تنوع بیش‌تری برخوردار است.

قاب‌های مرکز این سمت از درب نیز اثر نظر طرح و اندازه تقریباً شبیه به هم هستند. طرح کلی آنها شبیه به یک طرح لچک و ترنج است. در قسمت زیرین ترنج‌های لت سمت چپ و راست نیز مانند سمت طلاکاری شده عبارت‌هایی نقش شده است. در لت سمت راست درون این ترنج عبارت: «عبدالعلی زرگر» و درون ترنج قرینه در لت سمت چپ «محمدرضا مثبت‌کار» نقش شده است.



تصویری اثر قاب مرکزی لت سمت راست در سمت نقره‌کاری شده درب به همراه نوشته درون آن



این قصیده نیز در ابتدا در مدح امام رضا(علیه السلام) و در ادامه در مدح پهلوی اول و تاریخ نقره کوبی درب سروده شده است. سراینده این قصیده نامشخص است. در قسمت مرکز این قسمت از درب، چفت و بست فولادی با تزیینات گیاهی وجود دارد.



چفت و بست موجود روی طرف نقره کاری درب در حالت باز و بسته

با توجه به اطلاعات ارایه شده در این نگارش، که پاسخ سؤال‌های کلی در مورد این درب و نمونه‌های مشابه را می‌دهد، سؤالات متعدد و عمیق‌تری را در ذهن پژوهشگران ایجاد می‌کند و این نیاز به پژوهش بیش‌تر در این مقوله را نمایان می‌سازد. امید است نگارش موجود، یاری‌رسان راه این پژوهشگران باشد.

فهرست منابع:

- ۱- خراسانی، محمدهاشم. (محررم الحرام ۱۳۸۲ قمری). منتخب التواریخ. تهران. چاپ اسلامی.
- ۲- عطاردی، عزیزالله. (۱۳۷۱). تاریخ آستان قدس رضوی. جلد اول. چاپ اول. مشهد. انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳- فیض، عباس. (۱۳۲۴). بدر فروزان. قم. انتشارات بنگاه.
- ۴- کاویانیان، احتشام. (۱۳۵۴). شمس الشمسوس یا تاریخ آستان قدس. مشهد. اداره فرهنگ و هنر خراسان.
- ۵- مؤمن، علی. (۱۳۴۸). راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی. چاپ اول. چاپخانه بانک ملی.